



# کارگران جهان متحد شوید!



اسفند ماه ۱۳۹۴ // شماره - ۱۴۳

ویژه نرروز 95

ارگان سازمان اتحاد فدائیان کمونیست

پیام نرروزی شورای مرکزی سازمان اتحاد

فدائیان کمونیست بمناسبت آغاز سال ۱۳۹۵

فرارسیدن سال نو و عید نوروز ۱۳۹۵ را

به شما شادباش میگوئیم!

روابط عمومی سازمان اتحاد فدائیان

بهار می رسد از راه

کمونیست

هان / ای شکسته دیوار سست نهاد!

صفحه ۳

## ستون طنز



صفحه ۹

در آغاز سال نو، سازمان اتحاد فدائیان کمونیست با قلبی سرشار از امید به آزادی، سعادت و بهروزی توده های زحمتکش مردم در ایران و جهان، فرارسیدن بهار زندگی بخش را به همه شما شاد باش می گوید.

ادامه صفحه ۵

## اتحاد سازمانها و احزاب انقلابی ترکیه گامی به پیش

”یدی شیشوانی“

صفحه ۶

به بهانه بیست و پنجم اسفند روز شهدای فدائی حقی که باید در برابر آن پاسخ گفت یا به جنبش کمونیستی و یا به تاریخ

”محسن رجب زاده“

25 اسفند سالروز بزرگداشت جان باختگان فدائی و تجدید میثاق با قهرمانان و پیشگامانی است که در صفوف مقدم پیکارگران راه آزادی و دموکراسی و سوسیالیسم نبرد کرده اند و از آرمانها و اهداف طبقه کارگر با جان خویش چه در مقابل جوخه های اعدام چه در بیدادگاه های دو رژیم چه در رزم بی امانشان و چه در زندانها و شکنجه گاهها .

ادامه در صفحه ۴

**بهاران نخت باد.**



**فرارسیدن نوروز دل افروز و بهار ۱۳۹۵ را به همه کارگران و زحمتکشان و به شما خواننده گرامی شادباش میگوئیم...**

نوروز را فرصتی بشماریم برای به روز کردن خواسته های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و آزادیخواهانه خود. فرصتی برای شور و مشورت و تقسیم شادی و غم. فرصتی که از مشکلات زندگی و مبارزه همدیگر در محیط کار و زندگی خویش آگاه شویم و با کمک ویاری به همدیگر، به شادی و جشن نوروز خود، جلوه ای تازه ببخشیم.

روابط عمومی سازمان اتحاد فدائیان کمونیست 25 اسفند 1394

## «از کوزه همان برون تراود که

در اوست»

## درباره حد اقل دستمزد کارگران

طبق روال هر ساله از اوایل دیماه تا آخر اسفند، تب تعیین حداقل دستمزد کارگران برای یکسال آتی بالا میگردد. به جای نمایندگان کارگران و سخنگویان منتخب آنها، کارشناسان رنگارنگ به صف میشوند، مصاحبه ها انجام میگردد مقالات نوشته میشوند، «صاحب نظران» کار و کارگر جناح های مختلف حکومتی که بقول خودشان هم دغدغه کارگر دارند وهم نگران افت سود سرمایه داران هستند، مینشینند و باهم به جر و بحث و مناظره می پردازند و میبندند و میدوزند و آخر سر که حسابی تنور مباحث مربوطه به حداقل دستمزد ها را داغ کردند، آنچنانکه هیچ ابوالبشری از کلاف سردرگم آن سردر نیارود، آنگاه سروکله «شرکای اجتماعی» پیدا میشود تا راه حل ها را بررسی کرده و پیشنهادی بدهند که نه سیخ بسوزد و نه کباب!

امسال هم مثل سال گذشته از اوایل دیماه نمایندگان از طرف دولت، شورای اسلامی کار و کارفرمایان طی جلسات متعدد در غیاب نمایندگان واقعی کارگران به «چانه زنی» درباره تعیین حداقل دستمزد کارگران پرداختند. آنها از اصطلاح شرکای اجتماعی مورد ادعای دولت دوتشکل صنفی خود ساخته را هم بر نتافتند و آخر سر با اخراج نمایندگان ...

ادامه در صفحه ۲

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی، برقرار باد جمهوری فدراتیو شورائی!

## «ازکوزه همان برون تراود که در اوست» درباره حد اقل دستمزد کارگران

«مجمع عالی نمایندگان کارگری و کانون صنفی نمایندگان کارگری» از جمع خود، به تنهائی سطح حداقل دستمزد کارگران را تعیین کردند. علاوه بر آن دولت و کارفرماها پارا فراتر گذاشته و در پیگیری سیاست آزادسازی دستمزد ها تبصره 2 ماده 41 قانون کار را نیز یکطرفه لغو کردند. یعنی تعیین سبد هزینه های معیشتی و سطح آن که میباید همراه باتورم در تعیین حداقل دستمزد ها مدنظر قرار گیرد را حذف نموده و به زباله دانی انداختند. در نهایت با افزایش 14 درصدی، حداقل دستمزد کارگران را برای سال 812 95 هزار تومان اعلام کردند و تصمیم گرفتند، حق مسکن کارگران از فروردین سال 95، همچنان 20 هزار تومان، حق بن نقدی 110 هزار تومان و سنوات روزانه نیز 1000 تومان باقی بماند و تغییر نکند. (به جدول تغییرات دستمزد سال 95 در زیر توجه کنید)

تعیین حداقل دستمزد در سطح 812 هزار تومان در حالی است که سبد هزینه ای که «انجمن های صنفی کارگران» که خود زیر مجموعه دستگاه های دولتی است، برای دستمزد گارگران اعلام نموده دو میلیون و ۱۵۰ هزار تومان و خط فقر را سه میلیون و دو بیست هزار اعلام نموده است. خبرگزاری ایلنا، هزینه معیشت یک خانواده چهار نفره را "سه میلیون و ۷۰۰ هزار تومان" اعلام کرد. و اخیرا نیز هفت شکل مستقل کارگری خواهان حداقل دستمزد در سطح سه میلیون و پانصد هزار تومان شده بودند.

تعیین حداقل دستمزد کارگران در حد یک چهارم خط فقر از نهادی که ار نمایندگان سرمایه داران، دولت (که خودش از سرمایه

داران بزرگ است) و تعدادی بنام «کارگر» که بیشتر وابستگان به همان دولت و برادران قاچاقچی هستند که در جریان پرونده مرتضوی جلاد در زمان تصدی ریاست بیمه های اجتماعی پته شان روی اب افتاد و تحت عنوان روسای تشکلهای باصطلاح کارگری مشغول رشوه گیری و کاسه لیبسی از مرتضوی بوده اند، چه انتظاری میشد داشت؟

مگر از اینها که همه وابستگان به مافیای قدرت و ثروت و چپاولگران اموال عمومی و دسترنج کارگران و زحمتکشانش هستند و هر سال مینشینند و تحت عنوان پرطمطراق «شرکای اجتماعی» «سرکارگران شیره میمانند، بیشتر از این هم انتظار میرفت. «ازکوزه همان تراود که در اوست»

تنها آنچه که از ماجرای تصمیمات این گروه ضد کارگری بیشتر نمایان میشود، در واقع اجرای سیاست ضد کارگری دولت «تدبیر و امید» در جهت تشدید فشار به کارگران و زحمتکشانش در سال بعد از انتخابات است. اکنون که «انتخابات» مهندسی شده به پایان رسیده است و سران نظام پروسه «اعتماد» سازی بین ملت و نظام و وفاق بین جناح های متعدد حکومتی را به پایان رسانیده اند. و در حالیکه مافیای قدرت و ثروت و سرمایه سالاران داخلی و خارجی برای تصاحب میلیاردها دلار آزاد شده و دسترنج توده زحمتکشانش دندان تیز کرده اند پتک سیاست های دوران پسابرجام بر سر کارگران و زحمتکشانش فرود آورده میشود و اینک خود را در اولین سیاست اجرائی دولت در تعیین حداقل دستمزدها بازتاب میدهد. این اقدام ضدکارگری که بوسیله دولت، کارفرماها و با همدستی نمایندگان

تشکلهای زرد دست ساز دولت اجرائی شد، ماهیت و مضمون اقتصاد مقاومتی رهبر و برنامه ششم توسعه اقتصادی دولت تدبیر و امید را در رابطه توده کارگران و زحمتکشانش، برملا میکند. سیاستی که خانواده های کارگری را به زندگی در فقر و نداری و تبعات اجتماعی ویران کننده آن سوق میدهد. باید در نظر داشت که تعیین حداقل دستمزد کارگران نه امری فی البداهه و نتیجه چانه زنیها و مذاکرات این نمایندگان سه جانبه مافیای قدرت و ثروت در لباس باصطلاح نماینده کارگران و کارفرمایان دولت است، بلکه درست ناظر بر سیاست عمومی دولت در جهت سرعت بخشیدن به آزاد سازی دستمزد ها، خصوصی سازیها و اجرای خشن برنامه اقتصادی است که در بودجه سال 95 و در لایحه برنامه ششم توسعه اقتصادی برنامه ریزی شده است.

آنچه که طبقه کارگر و محرومان کشور در انتظار اش هستند آن نیست که دولت تدبیر و امید قبلا فریبکارانه به آنها وعده داده بود. بلکه آنچه که نصیب آنها خواهد شد، تحمیل ریاضت بیشتر و فشار اقتصادی و اجتماعی و سیاسی بیشتر. دولت بر آن است که در کنار حراج منابع و ثروت های عمومی کشور، نیروی کار ارزان و خاموش را نیز به سرمایه های داخلی و خارجی هدیه کند. این روند مبین این واقعیت است که در شرایطی که کارگران بسیاری از واحد های تجاری، صنعتی و خدماتی حتی از دریافت حقوق ماهیانه خود محروم هستند و با معوقه های چندماهه در پرداخت حقوق هایشان مواجه اند و یا قراردادهای موقت و سفید امضا کمکان همچون شمشیر داموکلس بر بالای سرشان آویزان شده است بآینده



## فرارسیدن سال نو و عید نوروز ۱۳۹۵ را به شما شادباش می‌گوئیم!

ساخته شدن اسطوره جشن پیروزی کاوه آهنگر بمثابه نماد قیام زحمتکشان، شعر زمان وزبان حال مبارزه مداوم کار و زحمت بر علیه ستم و استثمار و زور و سرکوب است که علیرغم مرور زمان و گذشت قرن‌ها هنوز برقافیه خود ایستاده است. و فریاد میزند که اندیشه برخاستن علیه ظلم و ستم و زور و سرکوب برحق بوده و تنها راه غلبه بر ارتجاع و استبداد است. و حکایت از آن دارد که مردمان کار و زحمت و سازندگان اصلی جامعه و تولیدکنندگان نعم مادی برای خلاصی از بند اقلیتی ستمگر، استثمارگر و سرکوبگر، سرانجام راهی جز برخاستن و سلاح برکف گرفتن و شوریدن بر علیه نظامات ارتجاعی موجود ندارند. حکایت از آن دارد که نباید گذاشت تا انرژی و پتانسیل جوانان این اکثریت محروم، بوسیله حاکمان زمان دراعتیاد و باورهای ارتجاعی و درامید واریهای بی پایه و اساس به هدر رود. نباید گذاشت تلاشها و مبارزات هرروزه طبقه کارگر و زحمتکشان درانفراد و بی تشکیلی و پراکندگی سرکوب و یا به سازش کشیده شوند. نباید گذاشت نوروز را از محتوای واقعی آن تهی کرده و به مراسمهای سرگرم کننده مورد نظر حاکمان تبدیل کنند. مراسمهایی که بویژه در شرایط بیکاری، گرانی عدم پرداخت دستمزدها توسط دولت و طبقات ثروتمند استفاده آن به جیب ثروتمندان و دود آن برچشم زحمتکشان میرود.

به این تعبیر نوروز کارگران و زحمتکشان که خاری است درچشم ارتجاع، باید ازحالت سرگرم کننده خود درآمده و درکنار شادی و سرور، به فرصتی برای اندیشیدن و تبادل نظر درباره تاریخ پرفراز و نشیب مبارزه علیه ظلم و ستم و بی عدالتیها تبدیل شود. درروزهای خجسته نوروز باید تلاش نوینی را درمیان خانواده ها بویژه جوانان دامن زد تا بی اعتمادی، بی باوری حاکم براراده ها را زدود و باتکیه بر میراث گرانبهای مبارزات انقلابی، قیامها و انقلابات گذشته بر ترس و وحشت از قدر قدرتی ارتجاع حاکم در جامعه غلبه کرده و درسال جدید حرکتهای نوینی را آغاز نمود.

### کارگران و زحمتکشان!

تعطیلات نوروز فرصتی است برای همه ما که با آگاهی از مشکلات زندگی و مبارزه همدیگر در محیط کار و زندگی و کمک و یاری بهم و تقویت امید به پیروزی به شادی و جشن نوروز خود جلوه ای تازه ببخشیم.

دشمنان آزادی و برابری و مافیای حاکم بر کشور در تلاش اند سالی دیگر با تشدید ستم و استثمار و گسترش زور و سرکوب چند صباهی بر عمر حاکمیت ننگین خود بیافزایند. فرصت گرانبهای نوروز را مغتصب شمرده با اشاعه آگاهی و فرهنگ مبارزه و مقاومت درمیان مردمان کارگر و زحمتکش، بویژه جوانان، چشم انداز پیروزی بر ارتجاع حاکم را در افق مبارزات خود بگشائیم.

نوروزتان پیروز باد

روابط عمومی سازمان اتحاد فدائیان کمونیست

25 اسفند 1394

## «ازگوزه همان برون تراود که دراوست»

ای مواجه اند که نظام قصد دارد همراه سیاست باج دهی درخارج تحمیل ریاضت اقتصادی به کارگران و تشدید سرکوب درداخل را سرلوحه برنامه سال اتی خود قرار داده.

اینکه طبقه کارگر بطور طبیعی در دفاع از حق معیشت خود بیکار ننشسته و همچون سالهای گذشته دست به مبارزه و اعتراض و اعتصاب خواهد زد، امری است واقعی و انکار ناپذیر، معهدا مادامی که با اتحاد و تشکل خود نتوانسته است اعتراضات و اعتصابات را همبسته تر و سراسری تر کرده و توازن قوای موجود را تغییر دهد، موفق به مقابله موثر با سیاست های خانمان برانداز نظام سرمایه داری حاکم بر ایران نخواهد بود.

یدی شیشوانی 24 اسفند 1394

جدول تغییرات مزد سال 95 کارگران (ارقام به تومان)

حداقل دستمزد ماهیانه	۸۱۲۱۶۴
حق مسکن ماهیانه (به شرط تصویب)	۴۰۰۰۰
حق بن نقدی (بدون افزایش)	۱۱۰۰۰۰
حق اولاد- یک فرزند	۸۱۲۱۶
حق اولاد- دو فرزند	۱۶۲۴۳۲
حق سنوات روزانه (بدون افزایش)	۱۰۰۰
حداقل مزد روزانه	۲۷۰۷۲
مجموع دریافتی افراد مجرد	۹۷۲۱۶۴
مجموع دریافتی افراد متأهل با یک فرزند	۱۰۵۳۳۸۰
مجموع دریافتی افراد متأهل با دو فرزند	۱۱۳۴۵۹۶



**بگذار بندر "تیر"  
چون جنگلی بروید**

**در آفتاب خون**

را به حکام و شیوه حکومت اعلام میکنند بلکه حاکمان را به باد ناسزا میگیرند.

اکنون مشکل ما بیش از هر چیز تشنت و پراکنده گی است که این چند صدائی خود به سردرگمی نه تنها توده مردم بلکه به سردرگمی پیشروان و پیشگامان کمونیست موجود در داخل نیز منجر شده است.

در آخر باز تاکید میکنم که هر کمونیست فدائی وظیفه دارد سهم خود در جهت برچیدن این بساط قدم بردارد.

و بیش از رفقای منفرد سازمانها و محفلها و بخصوص رهبران جریانات فدائی هستند که این وظیفه را بر دوش آنها سنگینی میکند رفقا فردا دیر است از هم اکنون باید در این جهت قدم برداشت و گرنه به عنوان مسئول یا باید به جنبش کمونیستی پاسخ گوید و یا به تاریخ خواهید پیوست و به تاریخ جوابگو!!!

محسن رجب زاده 23/12/94

## به بهانه بیست و پنجم اسفند روز شهدای فدائی

### حقی که باید در برابر آن پاسخ گفت یا به جنبش کمونیستی و یا به تاریخ

های مرگ رفتند چه میان سال چه بزرگ سال و چه حتی نوجوانانی که با سری افراشته مرگ را در اغوش کشیدند. نمی خواهم یکایک آنها را نام ببرم زیرا از مسئله اصلی که دغدغه خاطر است بدور می مانم.

مسئله این است که ما کمونیست ها بخصوص کمونیست هایی که خود را در طیف فدائی می دانیم در کجای کار ایستاده و چه وظیفه ای در قبال خون این رفقا بر دوش خود حمل میکنیم.

ایا فقط هر ساله در سالروز جان باختن این گرمی داشتن کافیهست؟

آیا هر ساله برگزار نمودن جشن تولد سازمان (سالروز سیاهکل) بدون پرداختن به پیام سیاهکل کافیهست؟

سیاهکل قبل از پیش رو گذاشتن شیوه نوین مبارزه پیام روشنتری داشت و ان پیام چیزی نبود جز اینکه کمونیستها باید همواره در حال تبلیغ و ترویج و تشکل باشند و از همین رو با تجمیع محفل ها و گروه ها و افراد منفرد کمونیست بود که سازمان چریکهای فدائی خلق پدید آمد! و بر تارک جنبش کمونیستی نه تنها ایران بلکه منطقه و جنبش کمونیستی درخسید و در سایه این تجمیع بود که بسوی درهم شکستن فضای رعب و وحشت و ترس حاکم بر جامعه پیش رفت.

رفقا اکنون مشکل جامعه ما ترس نیست چون به عینه میتوان در هر کجا که توده ها حضور دارند در صف اتوبوس مترو صف نان و... که توده ها نه تنها اعتراضات خود

بسیاری از رفقای ما که در این نبرد نابرابر جان باخته و حتی بدرستی نمی دانیم که چگونه و تحت چه شرایطی آنان جان خود را فدای آرمانهای والای خود نموده اند نمونه یکی از این رفقا جعفر پنبجه شاهی (خشایار) است رفیق خشایار در درگیری زخمی و دستگیر شد و در کمیته مشترک با بدن جراحت دار خویش در حالی که گلوله را نیز از بدن وی خارج ننموده بودند به زیر شکنجه رفت رفیق با سربلندی تمام این دوران را طی نمود و در حالی بازجوی دژخیم را بقول خودش که به رفیقی گفته بود در همان پله اول نبرد بان نگه داشته بود یعنی حتی اسم واقعی خود را به آنها نداده بود پس از یک هفته شکنجه در کمیته مشترک یا زندان توحید خمینی از غفلت نگهبان استفاده نموده و نفت چراغ والوری که گوشه راهرو حمام بود را بروی خود ریخته و خود را به انش کشیده بود و با بدن شعله ور برای اینکه زودتر کار خود را تمام کند با پاهای شکنجه شده شروع به دویدن نموده بود وقتی دژخیمان متوجه شدند و پزشک بر بالین او آوردند پزشک اعلام نموده بود که کار او تمام است تا نمرده هر چه می خواهید از او بپرسید که بازجوها به او حمله نموده و میگفتند حداقل نام واقعی خود را بده و رفیق در جواب فقط به خمینی و رژیم ناسزا میگفت به گفته رفقای که در کمیته مشترک بودند تا یک هفته در انجا بوی گوشت سوخته می آمد. یادش گرمی و راهش پر رهرو باد. در زندانهای رژیم کم نبودند فدائیان که با باورهای انقلابی خود استوار به سوی جوخه

**با کمک های مالی خود،  
سازمان اتحاد فدائیان  
کمونیست را در پیشبرد  
برنامه و اهداف انقلابی اش  
یاری رسانید.**



## پیام نوروزی شورای مرکزی سازمان اتحاد فدائیان کمونیست بمناسبت آغاز سال ۱۳۹۵

بهار می رسد از راه

هان / ای شکسته دیوار سست نهاد!

کارگران و زحمتکشان :  
سال گذشته را با همه فراز و نشیب هایش، پشت سر نهادیم و سال جدید را در حالی آغاز میکنیم که مبارزه بر علیه ستم و استثمار و زور و سرکوب به نتیجه مطلوب نرسیده است و هنوز دیو ارتجاع و حاکمیت مذهب و خرافه سرمایه سالاران، بر مقدرات مردم حکم میراند. در سال جدید تلاش کنیم بادرسی گیری از تجربیات سال گذشته و درپیش گرفتن روشهای نوین و انقلابی، مبارزه را در سطحی گسترده تر و متحد تر پیش ببریم. سالی که گذشت سالی همراه با تلخی ها و ناکامیهای بسیار برای طبقه کارگر و زحمتکشان و روشنفکران جامعه ما بود. در سال گذشته بسیاری از کارگران و فعالان سیاسی و اجتماعی از جمله کارگران، زنان، معلمان و دانشجویان مبارز به خاطر دفاع از آزادی بیان و اندیشه و حق تشکل و حزب مستقل و مطالبه حقوق صنفی و سیاسی خود تحت پیگرد نیروهای رژیم ارتجاعی حاکم قرار گرفتند. در نوروز بهار، این عزیزان و خانواده آنها را فراموش نکنیم و سعی کنیم هر جا که هستیم شادی خود را با آنها تقسیم کنیم. میگویند «سالی که نکوست از بهارش پیداست»

سال گذشته دو اتفاق مهم هم روی دادند که نتایج آنها در روند سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و مبارزاتی سال جدید از اهمیت وافری برخوردار است. نخست اینکه رژیم اسلامی در مواجه با تنگنای اقتصادی ناشی از تحریمها و بحران ساختاری اقتصاد ایران، از یکسو و گسترش فقر و بیکاری و گرانی

و به تبع آن گسترش اعتراضات عمومی بویژه اعتصابات و اعتراضات کارگری از سوی دیگر، بناچار جام زهر را بالا کشید و با امضای توافق نامه ژنو، به بلندپروازیهای هسته ای خود پایان داد. بدین ترتیب هم تبعات اقتصادی تحریم ها و هم خطر جنگ احتمالی از بالای سر مردم برداشته شد و در نتیجه بهانه رژیم برای تشدید سرکوبها و اعمال فشار اقتصادی بیشتر روی کارگران و توده محروم و زحمتکش جامعه با توجیه تحریمات اقتصادی و خطر جنگ، منتفی و کارائی خود را از دست داد. اکنون توده های مردم انتظار دارند تا خواست ها و مطالبات شان متحقق شود و عدم تحقق وعده و وعید های دولت و به گسترش باز هم بیشتر اعتراضات توده های کار و زحمت خواهد انجامید و رژیم را با چالشهای فراوانی روبرو خواهد کرد. مسئله دوم برگزاری «انتخابات» دهمین دوره مجلس اسلامی و پنجمین دوره خیرگان رهبری بود که جز جابه جا شدن افراد بتهکار و جنایتکار و صاحبان زور و وابسته به حاکمیت، نتیجه ای در بر نداشته و هدفی جز تحکیم پایه های استبداد و خودکامگی و حفظ و تداوم حیات نهادهای شبه فاشیستی رژیم تحت عنوان مجلس شورای اسلامی و خیرگان، نداشت و نمیتوانست داشته باشد. نتیجه از پیش مهندسی شده «انتخابات» «مبین این واقعیت است که جناح های مختلف مافیای قدرت و ثروت، حول سیاست های راهبردی رژیم که در برنامه «اقتصاد مقاومتی» «رهبر و در طرح 1394 برنامه ششم توسعه اقتصادی دولت و بودجه بندی سال 95 تبلور یافته است، توافق نظر داشته و «انتخابات» «را هم بر همین اساس مهندسی و بمورد اجرا گذاشته اند. در سال جدید حاکمیت با تکیه بر نتیجه خیمه شب بازی «انتخابات» «سیاست های اقتصادی و اجتماعی خانمان برافکن دولت و دستگاه رهبری در عرصه داخلی و خارجی را با سیاست باج دهی به کشورهای

امپریالیستی و تشدید سرکوب در داخل، بمورد اجرا خواهد گذاشت. اما اجرای سیاست ریاضت کشی اقتصادی و تعرض به سطح زندگی و معیشت کارگران و توده های زحمتکش مردم و سرکوب اقدامات اعتراضی آنها به گسترش باز هم بیشتر مبارزه علیه مافیای قدرت و ثروت خواهد انجامید بدون تردید مبارزات توده های کار و زحمت که از ظلم و ستم و استثمار و زور و سرکوب جانشان به لب رسیده است در آینده با شدت و گستردگی بیشتری ادامه خواهد یافت. معذانهبرد بین نیروی کار و زحمت و صاحبان قدرت و مکننت که براریکه قدرت سوارند بدون تشکل و حزب طبقه کارگر و اتحاد سایر زحمتکشان به نتیجه مطلوب نخواهد رسید. در سال جدید جریان گسترش مبارزات زمینه ها و فرصتهای مغتنمی است تا پیشروان کارگری، دانشجویان، معلمان و فعالین خلقهای تحت ستم و استثمار و فعالین سازمانهای انقلابی به کار آگاه گرانه و سازمانگرا نه خود در میان کارگران و زحمتکشان شدت بخشیده و آنها را در مبارزه علیه نظام حاکم و تحقق خواست هایشان یاری رسانند. با آغاز بهار 95 همراه با دلپذیر شدن هوا و بردمیدن گل از دل خاک، به افق روشن فردا ی آزادی امید وار باشیم و با تشدید مبارزه برای سرنگونی نظام حاکم، در واقعیت بخشیدن به آرمانهای انسانی و آزادیخواهانه خود گامی به پیش برداریم. باشد تا نوروز دلپذیر بهار آزادی، بار دیگر برگردد و گام در کشور استبداد زده ما نهد که در آن هزاران هزار انسان به خاطر آزادی و سوسیالیسم جان فدا کرده اند. نوروزتان پیروز باد!

سازمان اتحاد فدائیان کمونیست 28 اسفند

## اتحاد سازمانها و احزاب انقلابی ترکیه گامی به پیش

”یدی شیشوانی“

هرکدام در کشمکش بر سر مناطق نفوذ، گروه های مختلف مذهبی و قومی و قبیله ای را سازمان داده و با تغذیه مالی و تسلیحاتی، آتش جنگ و ویرانی و آوارگی و در بدری را برافروخته و کشورهای منطقه را ویران و زندگی مردم را به خاکستر تبدیل نموده اند و در شرایطی که در فقدان آلت رناتیبو انقلابی موثر، توده های زحمتکش مردم مجبور هستند، از بد به بدتر و از مقاومت و مبارزه به کوچ و آوارگی و در بدری روی بیاورند، اقدام سازمانها و احزاب انقلابی کردستان و ترکیه گامی است که خیلی وقت ها قبل میبایست برداشته میشد. بویژه روشن و مبرهن است که مقاومت و پیروزی نیروهای کرد بدون همبستگی و همیاری نیروهای انقلابی ترک، بویژه طبقه کارگر و زحمتکشان این کشور که بیشترین فشار اقتصادی و اختناق سیاسی را بردوش خود حمل میکنند، امکانپذیر نبوده و نیست. سازمان ما از سالها پیش در مذاکرات و گفتگوهای خود با سازمانها انقلابی منطقه نسبت به تحولات منطقه هشدار داده و ضرورت و مبرمیت اتحاد و همکاریهای مشترک نیروهای انقلابی طبقه کارگر و زحمتکشان و نیز خلقهای تحت ستم و استثمار را گوشزد نموده است. واقعیت این است که منطقه خاورمیانه بویژه منطقه ایران، ترکیه عراق و سوریه که کردستان محروم از هرگونه حق تعیین سرنوشت نیز بین این چهار کشور تقسیم شده است، از جمله مناطقی است که همواره همچون آتش زیر خاکستر آستان حوادث مختلف بوده و تا وقتی که مسائل متعدد دموکراتیک و اقتصادی و اجتماعی و

اخیرا ده تشکل شامل سازمانها و احزاب انقلابی کردستان و ترکیه طی کنفرانسی مسئله وحدت حول جبهه چپ و انقلابی را مورد بررسی قرار داده و در پایان با صدور بیانیه ای موجودیت جبهه تازه تاسیس خود را تحت عنوان «جنبش انقلاب متحدانه خلقها» اعلام کردند. این تشکلها مدتها قبل از کنفرانس اخیرشان حول ضرورت تشکیل جبهه ای مشترک به گفتگو پرداخته بودند. اسامی احزاب شرکت کننده در این جبهه عبارتند از «ت.ک.پ/م.ل؛ پ.ک.ک؛ ت.ه.ک.پ؛ ج.م.ل.س.پ.م؛ م.ک.پ؛ ت.ک.ا.پ؛ لنینیست؛ ت.ی.ک.ب؛ د.ک.پ؛ قرارگاه انقلابی و حزب مارکسیست لنینیست کمونیست (م.ل.ک.پ)»

همچنین اعلام شد که «کوردیناسیون انقلابیون پرولتر و جنبش دوباره زیستن (احیا)» از اروپا هم از این اتحادیه حمایت پشتیبانی کرده اند.

اعلام رسمی تشکیل جبهه ای مشترک بین سازمانهای انقلابی کردستان و ترکیه در شرایطی است که حزب حاکم این کشور در مواجهه با موج آزادیخواهی و برابری طلبی شمشیر را از رو بسته و همچون نیروهای فاشیسم هیتلری به قلع و قمع فعالین سیاسی و اجتماعی ترکیه مشغول است و صدای هر اعتراضی را با بمباران و توپ باران و دستگیری و زندان پاسخ میدهد و علاوه بر آن در ضدیت با حرکت های انقلابی و آزادیخواهانه کردستان سوریه با «داعش»، النصره و سایر نیروهای مرتجع منطقه دست به یکی کرده و به هر جرم و جنایتی دست میزند. و در شرایطی که دول امپریالیستی و قدرتهای ارتجاعی منطقه

سیاسی در این منطقه حل نشده باشد، کما کان آستان حوادث جدید اجتماعی و سیاسی باقی خواهد ماند.

اتحادهای اجتماعی نیروهای پیشرو جامعه بر علیه سرمایه داری و اشکال مختلف استبداد، اختناق و بی حقوقی طبقه کارگر و توده زحمتکشان، همواره مستلزم تدوین برنامه و استراتژی است که مطالبات، خواست ها و اهداف توده های مختلف کارگر و زحمتکش را در خود منعکس کند. بعلاوه ضروری است تا در خطوط عمده تاکتیکی و برنامه راهبردی اشتراکات متناسب با امکانات نیروها برای عمل انقلابی وجود داشته باشد. چون عمل مشترک اگر به طرح نظری منسجم و منظم ناشی از تحلیل شرایط مشخص استوار نباشد ناگزیر با پراکنده کاری و بن بست مواجه خواهد شد. در این رابطه هنوز مباحث و مبانی نظری این کنفرانس منتشر نشده است. یکی از سخنگویان این کنفرانس در این رابطه اعلام کرده است:

«ما همچو نیروهای سوسیالیست و انقلابی ترکیه و کردستان علیه فاشیسم آ.ک.پ و همدستان آن و سیستم حاکم جمهوری کنونی ترکیه مبارزاتمان از جمله مبارزه مسلحانه را در همه عرصه ها با هر وسیله و راهکاری جهت ارتقای مبارزات انجام می دهیم و نیروهایمان را در قالب «جنبش انقلاب متحدانه خلقها» یکی ساخته ایم. در ب های این اتحاد ما هم برای نیروهای خارج از ما گشوده است و هم برای آنهایی که در صدد دست زدن به مبارزه و عملیات هستند. از همه آنها پشتیبانی کرده و پیشبردشان می دهد.»

دوران کالکان ضمن اشاره به اهمیت روز تشکیل و تاسیس چنین اتحادیه ای تاریخی افزود: «ما جنبش



## اتحاد سازمانها و احزاب انقلابی ...

انقلاب متحدانه خلقها در 45 امین سالگرد کودتای نظامی فاشیستی 12 مارس 1971، همچنین در 21 امین سالگرد قتل عام‌گری در سال 1995، نیز در 12 امین سالگرد قتل عام قاملو در سال 2004، با اعلام موجودیت علیه اشغالگری فاشیسم و هرگونه واپس‌گرایی در حال مبارزه برای ارتقای انقلاب، برای آزادی و سوسیالیسم، جهت دموکراسی و برادری میان خلقها نبرد کرده و مصمم هستیم. لذا موجودیت خود را برای اطلاع همه خلق‌های ترکیه و کردستان و بویژه انسانیت اعلام می‌داریم. در 45 امین سالگرد کودتای فاشیستی 12 سپتامبر 1971، با صدور اعلامیه این اتحاد، بار دیگر آشکارا بیان می‌کنیم که انقلاب، دموکراسی و سوسیالیسم برای حصول پیروزی مصمم و مصر است و دارای انگیزه می باشد. کودتای فاشیستی 12 مارس، ماهر چایان‌ها، دنیز گزمیش‌ها و ابراهیم کاپیاکایاها را به قتل رساند. اما جان آنها، مقاومتشان، ذهنیت، اهداف و آرزوهایشان شکوفا است و همینجا حضور دارد. ما اینجا حضور داریم. 45 سال پیش اراده ما برای آزادی، دموکراسی و سوسیالیسم چطور بود، امروزه هم همانگونه شکوفا است و به آن ادامه می‌دهیم. ما با این هدف که خط مبارزاتی انقلاب را به پیروزی برسانیم علیه فاشیسم آ.ک.پ که تلاش می‌کند کودتای فاشیستی 12 مارس و 12 سپتامبر را احیا و رستوره کند و اینگونه، فاشیسم را مجددا سازماندهی و دیکتاتوری فاشیستی را مجددا برقرار کند، جبهه متحد تشکیل داده‌ایم. در ترکیه و کردستان، درب‌های جنبش متحدانه ما علیه فاشیسم بروی تمامی اشخاص، احزاب و سازمانها و همه

جبهه‌های اجتماعی متحد، گشوده است. تمامی آنها را به اتحاد فرامی‌خوانیم. حرف ما این است که باهم مبارزه کنیم و با هم به پیروزی برسیم. بر این بنیان اینجا می‌خواهیم اعلامیه تأسیس جنبش انقلاب متحدانه خلقها را برای اطلاع افکار عمومی قرائت کنیم.»

هنوز نه اظهارات دوران کالکان و نه مضمون بیانیه منتشره از سوی این کنفرانس کافی نیست که بتوان درباره محتوا و مضمون اجتماعی و سیاسی این اتحاد سخن گفت و درباره آن به قضاوت نشست و باید منتظر شد تا اسناد پایه ای این اتحاد منتشر شود. با وجود این در شرایط حساس کنونی ترکیه و منطقه برداشتن چنین گامی در جهت اتحاد نیروهای انقلابی ترکیه مثبت بوده و باید مورد پشتیبانی سایر احزاب و سازمانهای انقلابی ترکیه و منطقه قرار گیرد. ما با دریافت اطلاعات جدید و کاملتری از نیروهای شرکت کننده در این اتحاد و برنامه آنها بیشتر خواهیم نوشت.

متن کامل اعلامیه جنبش انقلاب متحدانه خلقها:

«به خلق‌هایمان!

تشکل‌های مرتجع، فاشیست، دولت‌ملت‌گرا و اشغالگر در تمامی کشتارهای جمعی که در خاورمیانه انجام می‌گیرند مسئول اصلی هستند. با مداخله اشغالگران در سوریه جنگ منطقه‌ای بسوی جنگ جهانی سوق می‌یابد که می‌رود که کل بشریت را تهدید کند. اشغالگران و حاکمان محلی مرتجع و فاشیست همدست آنها هم از سویی برای حفظ موقعیت و حاکمیت خود در منطقه و نیرومندی مجددشان، در میان خود هم با ضربات نابودگر از یکدیگر استقبال می‌کنند و از دیگر سو هم بر بنیان ملت، دین و

مذهب برای اینکه خلقها یکدیگر را قتل‌عام نمایند به هر اقدامی دست می‌زنند.

دولت آ.ک.پ بر بنیان منافع خود با اشغالگران سازش می‌کند و یا با آنها روبرو می‌شود، لذا بر حملات خونخوارانه خود به خلق‌های منطقه، در راه اهداف بین‌المللی و منطقه‌ای به پلیدترین همپیمانی‌ها دست می‌زند. به هر نحو ممکن در کشور علیه تمامی خلقتان به حملاتی خونخوارانه دست می‌زند. از سویی با ترورهای دولتی، کشتار در خیابانها، قتل‌عامها و موج بازداشت‌ها و زندانی‌کردن‌ها تلاش می‌کند مخالفان خود را سرکوب کند؛ در عین حال علیه ملت کرد هم به توپباران شهرهای صدها هزار نفری با تانک و توپ دست می‌زند، با خاک یکسان می‌کند و به نسل‌کشی مشغول است. جمهوری ترکیه تمامی نیروهای فاشیستی و مرتجع وابسته به سیستم واپس‌گرا و مدرن را نزد خود جمع‌آورده و برای حاکمیت تک‌حزبی خود و سرکوب تمامی مخالفان تلاش می‌کند. این همپیمانی و سازش داخلی خونخوارانه و فاشیستی را بر بنیان دشمنی با کردها ادامه می‌دهد.

همه اینها از سویی بر ضد خلق‌های ما انجام می‌گیرد که راه را بر آلام، اشغالگری و تخریبات جبران‌ناپذیر می‌گشاید؛ از دیگر سو هم موجب کامل‌شدن انقلابی‌گری میان خلقها بصورت متحد، می‌گردد. امروزه فرصت‌ها برای انقلاب در منطقه و کشور ما بیش از پیش مهیا است. این وضعیت موجب شده که پیشاهنگی انقلابی‌گری موفق سریعا به حرکت درآید.

بر این اساس، درحالی که در جهان و منطقه ما جنگ‌های نژادپرستانه، مذهب‌گرایانه و دین‌گرایانه افزایش می‌یابد، انقلاب غرب کردستان بعنوان گزینه انتخابی برای آنها، با رد تمامی واپس‌گرایی‌ها،



**اتحاد سازمانها و احزاب انقلابی ...**

روشنگر راه خلق‌های تحت ستم و مایه امیدواری آنها شده است. به همین دلیل روزوا و مقاومت‌های ذاتی همبسته آن شکوفا می‌شوند و همانطور که برای اشغالگران مورد هدف است، به همان شیوه آماج حملات آ.ک.پ فاشیست و جمهوری ترکیه شده است.

به همین دلیل امروزه، انقلاب غرب کردستان به معنای مقاومت ذاتی کردها و مبارزه انقلابی خلق‌های متحد ما است و ادامه دارد. همچنین به معنای تضمین آینده و امنیت جانی تمامی خلق‌های تحت ستم، زحمت‌کشان، روشنفکران، دموکرات‌ها و همه خلق‌ها است. به معنای صیانت از ارزش‌های عظیم و تضمین آینده خلق‌های جهان می‌باشد.

بخاطر حاکمیت سیستم کنونی ترکیه، آینده هیچ‌یک از بخش‌های جامعه در امنیت نیست. علویان، جبهه‌های لائیک دموکراتیک، زحمتکشان، فقرا و همه مخالفان با حمله روبرو هستند. چنانچه مقاومت‌های ذاتی کردها در هم شکسته شود، آ.ک.پ با همان راهکار خونخوارانه و بی‌رحمی، همه مخالفان خود در ترکیه را سرکوب خواهد کرد. به همین دلیل تضمین آینده همه نیروهای انقلابی و پیشرو ترکیه و خلق‌های زحمتکش به مقاومت ملت کرد وابسته است.

ما همچو نیروهای سوسیالیست و انقلابی ترکیه و کردستان علیه فاشیسم آ.ک.پ و همدستان آن و سیستم حاکم جمهوری کنونی ترکیه مبارزاتمان از جمله مبارزه مسلحانه را در همه عرصه‌ها با هر وسیله و راهکاری جهت ارتقای مبارزات انجام می‌دهیم و نیروهایمان را در قالب «جنبش

انقلاب متحدانه خلق‌ها» یکی ساخته‌ایم. درب‌های این اتحاد ما هم برای نیروهای خارج از ما گشوده است و هم برای آنهایی که در صدد دست‌زدن به مبارزه و عملیات هستند. از همه آنها پشتیبانی کرده و پیشبردشان می‌دهد.

جنبش انقلاب متحدانه خلق‌ها علیه اشغالگری، سرمایه‌داری، فاشیسم، شوونیسم و نژادپرستی، آینده‌ای دموکراتیک و آزاد برای خلق‌های تحت ستم به ارمغان می‌آورد. این جنبش با اتکای به نیروی انقلابی خلق‌ها، در راستای فروپاشی حاکمیت فاشیستی آ.ک.پ متحد شده و با توسل به پشتیبان‌های اجتماعی خود از این راه رویگردان نخواهد شد.

دولت آ.ک.پ گذشته از جامعه، طبیعت را هم نابود می‌کند. دشمن زنان و جوانان است. با بهره‌کشی از طبقات زحمتکش و همه کارگران به استثمار بیش از حد دست می‌زند و شرایط برده‌داری ایجاد و تحمیل می‌نماید. بر تمامی خلق‌ها حاکمیت زور ایجاد و به قتل عام می‌پردازد. جنبش انقلاب متحدانه خلق‌ها تمامی آن نیروها را که با حملات بی‌رحمانه دولت آ.ک.پ و حکومت بورژوازی جمهوری ترکیه روبرو هستند، آموزش و سازماندهی می‌کند، متحد می‌سازد و همبستگی عمومی برای مبارزه را اساس کار خود قرار می‌دهد.

جنبش انقلاب متحدانه خلق‌ها برای ایجاد جامعه‌ای اکولوژیک و آزادی زنان زمینه‌ای فراهم می‌کند و برای رسیدن زحمتکشان و طبقات کارگر به آزادی‌ها و حقوق خود، با ایجاد حاکمیت خلق‌ها در ترکیه و کردستان و نیز ایجاد مدیریت دموکرات، جهت آینده آزاد خلق‌هایمان مبارزه می‌نماید.

جنبش انقلاب متحدانه خلق‌ها همه کسانی که از ناحیه فاشیسم و واپس‌گرایی متضرر

می‌شوند، بویژه برای زنان، جوانان، کارگران و زحمتکشان و تمامی جبهه‌هایی که با ظلم و ستم روبرو هستند، آزادی، دموکراسی و برادری خلق‌ها را به ارمغان آورده و از همه آنها دعوت بعمل می‌آورد که سازماندهی شوند، متحد گردند و مبارزه کنند.

اگر از وضعیت کنونی جلوگیری نشود، مسلماً ترکیه بسوی دیکتاتوری خونخوار سوق خواهد یافت. هیچ سازمان و نیرویی سیستماتیک که بتواند این روند را متوقف سازد، باقی نمانده است. این امر به تنهایی می‌تواند موجب پایان انقلاب و مقاومت خلق‌های متحد گردد. یا دیکتاتوری خونخوارتری شکل می‌گیرد یا اینکه خلق‌های ما با سازماندهی خود را مسلح ساخته و تبهکاران آ.ک.پ فاشیست و جهادگرا را همراه با دنباله‌روان آن را نابود می‌کند.

فاشیسم فرومی‌پاشد، انقلاب متحدانه خلق‌های ما پیروز خواهد شد! فاشیسم را با انقلاب متحدانه خلق‌هایمان نابود می‌کنیم!

جنبش انقلاب متحدانه خلق‌ها (ت.ش.ی.گ)

(ت.ک.پ/م.ل؛ پ.ک.ک؛ ت.ه.ک.پ؛ ج/م.ل.س.پ.م؛ م.ک.پ؛ ت.ک.ا.پ؛ لنینیست؛ ت.ی.ک.ب؛ د.ک.پ؛ قرارگاه انقلابی و حزب مارکسیست لنینیست کمونیست (م.ل.ک.پ)»





## ستون طنز



### زیر نظر طنناز ممدقلی زاده

داستانی کوتاه از:

ایوان کراوس

### مردم

رئیس کشور برای گردش در شهر راه میافتد. دولتمردی صاحب نظریات سنتی در اتومبیلی سنتی با شیشه های ضدگلوله. در حالیکه از خیابانها میگذرد به اطراف نگاه میکند و ناراحت میشود. از رئیس دفتر خود که همراه اش است می پرسد: «پس کجاستید؟»

دولتمرد سگرمه اش را هم میکشد و پاسخ میدهد: «خب، مردم»

رئیس دفتر اندکی مکث میکند، بعد: «مردم، قربان، بعضی هاشان پشت میله های زندانند بعضی هاشان هم، فکر میکنم...»

رئیس کشور بالحنی تند می گوید: «عجب، که اینطور.» و به حیرت میافتد.

از کنار گروه کوچکی که با اشتیاق دست تکان میدهند می گذرد.

صدای لهله ها بگوش می رسد. رئیس کشور طبیعتا خوشحال می شود.

می گوید: «خوب، بهتر شد، اینطور نیست؟»

رئیس دفتر با اکراه می گوید: «قربان، اینها آدمهای خودمانند.»

رئیس کشور عصبانی میشود. نمی تواند بفهمد چطور ممکن است تنها کسانی که به تماشای موکبش آمده اند، پلیس های مخفی، عوامل تحریک مردم، و خبرچین ها باشند. قبلا چنین چیزی به ذهن اش خطور نکرده بود.

به رئیس دفتر می گوید: «ماباید مردم تازه ئی پیدا کنیم. مردمی سالمتر و بهتر.» و برمی گردد به کاخ اش. روز بعد رئیس دفتر را احضار می کند.

«خوب چطور شد؟»

رئیس دفتر با لکنت زبان می گوید: «من... من... خیلی متاسفم...»

دولتمرد فریاد می کشد: «یعنی چه؟ این کار چه معنی دارد؟»

رئیس دفتر وحشت زده گزارش میدهد: «قربان، هنوز نتوانسته ایم مردم تازه ای پیدا کنیم. قیمت ها خیلی بالا رفته»

رئیس کشور دستور صادر می کند: «می خواهم بلافاصله مردم تازه ای برای من پیدا کنید! به کشورهای خارج بنویسید، بادل همسایه تماس بگیرید. کشور ما زیباست.

هواش عالی است. غذاهایش خوش مزه است. آثار تاریخی و رسوم احترام آمیز داریم. پیشنهاد خرید بدهید!»

رئیس دفتر برمی گردد سرکارش. نامه می نویسد، آگهی میکند، و هر چه از دست اش برمی آید انجام میدهد.

پاسخ ها از کشورهای دیگر می رسد:

- «متاسفیم که بعلت کمبود شدید مردم نمی توانیم به تقاضای شما پاسخ مثبت بدهیم...»

- «البته ما به بقدر کافی آدم داریم، اما متاسفانه به هیچ وجه قابل اعتماد نیستند، حتی خطرناکند...»

یکی از پاسخ ها می گوید: «حتی آنقدر آدم نداریم که در تظاهرات خودمان شرکت کنند!»

پاسخ دیگر: «جمعیت ما کم شده...»

«بیشتر مردمان به خارج فرار کرده اند... و از کشوری که مردم اش تازگی قدرت را بدست گرفته اند چنین نوشته اند «ما فروشی نیستیم...»

رئیس کشور نامه هارا می خواند. از اینکه

نتوانسته دستوری صادر کند و آن را به مرحله اجرا در آورند، از خشم بی اختیاری می شود. در عین حال از نوعی بی امنیتی احساس آگاهی می کند، احساسی کاملاً تازه. در تمام این سالها هرگز چنین احساسی به او دست نداده بود... خشم اش افزایش مییابد و دچار سکنه قلبی شدید می شود.

مراسم تشییع جنازه، نیازی به گفتن نیست که، بسیار باشکوه برگزار می شود. این بار او را در اتومبیلی بدون شیشه های ضد گلوله، از خیابان های شهر عبور می دهند. حالا دیگر از چیزی نمی ترسد.

پیاده روها پر از جمعیت است، و خیابانها ناگهان از مردم انباشته شده. مردم بالاخره روشنشان داده ظاهر شده اند، اما به نظر می رسد که اهمیت موقع را فراموش کرده اند. همه می خندند.

### تاریخ انقضای ماست کشک

آن روزگاران، ماست که می ترشید دورش نمی انداختند؛ در مشک می ریختند. دوغش می کردند و کره اش می گرفتند. دوغ را باز اگر می ترشید، بر آتش می گذاشتند و اندکی می جوشاندند؛ آنگاه در توبره ای می ریختند تا آبش بچکد و "سیراج" شود. سیراج را یا با عموزاده اش - کره - سر سفره صبحانه می آوردند، یا آنکه گرد و گلوله اش می کردند و روی پشت بام، جلوی نور آفتاب می گذاشتند تا سفت شود و سخت شود؛ کشک شود.

حال، آن فرایند، حکایت رهبران و صاحب منصبان امور سیاست و مملکت داری در خاورمیانه به خون و نفت آغشته است.

رهبرانی که - چه بسا به روشهای کشکی - وقتی بر کرسی قدرت می نشینند، آنقدر می مانند تا سفت و سخت می شوند، عینهو

کار کمونیستی آخر هر ماه زیر نظر  
هیئت سیاسی سازمان اتحاد فداییان  
کمونیست منتشر می شود .

مسئول اجرایی : سالار حسامی  
شماره پیغامگیر ، واتس آپ و وایبر  
سازمان  
**+46738924823**

از طریق ایمیل ادرس زیر  
نظرات، پیشنهادات و انتقادات خود را  
با در میان بگذارید .

**info@kare-online.org**  
آخرین اخبار و گزارشات ، مقالات ،  
اطلاعیه ها و نشریات سازمان اتحاد  
فداییان کمونیست از سایت زیر  
دریافت کنید :

**Www.kare-online.com**

برای تماس با سازمان اتحاد فداییان  
کمونیست و یا ارگانهای آن با یکی از  
آدرسهای زیر تماس بگیرید :

.....  
روابط عمومی

**webmaster@fedayi.org**  
کمیته کردستان

**Kurdistan@fedayi.org**  
کمیته آذربایجان

**azar@fedayi.org**  
کمیته تهران

**Tehran@fedayi.org**  
کمیته کرج

**karj@fedayi.org**

آرشیو اسناد ، اطلاعیه ها و  
نشریات سازمان در سایت :

**Www.fedayi.org**

پنبه هایی که موشک هوا می کنند؛ کودتا  
می کنند.

آن دیگری بشار کشک الحمايه روسیه است.  
چشم پزشکی که بمب بشکه ای می سازد.  
شتر گاو پلنگی که گردن بر مردم خویش  
می کشد و برایشان با آتش اجاقِ حامیانش  
آش کشک می پزد.

یکی هم رئیس نصفه و نیمه اقلیمی است که  
مسند کشکی اش را هر دو سال یکبار-عینهو  
دماغ پینوکیو- برایش دراز می کنند. همان  
که نوروز به نوروز فیلش یادِ استقلال می  
کند. در یک وجب خاکی که بر کرسی  
ریاستش سریش شده است و در نیم آن  
کشک محض است، قصد رفراندم کرده  
است. قدم در راه ارمنستانی کردن کردستان  
نهاده است. تا فردایی، پس فردایی اگر کسی  
در بخش های دیگر دعوی حقوق کردها  
کند، سوی اویش برانند و بگویند "برو پیش  
رئیس ات کشکت را بساب."

آری، رهبران و صاحب منصبان در این  
خطه فلاکت زده ماست های ترشیده ای  
هستند که تاریخ انقضا ندارند.

آش کشک خاله اند، بخوریم پایمان اند،  
نخوریم در حلقومان.  
آشهایی که هر کدام صد وجب خون رویشان  
است.

خاورمیانه سالهاست که علاوه بر بوی نفت  
و خون و باروت، بوی کشک و دوغ و  
ماست ترشیده نیز می دهد. و البته کره اش  
را خیلی وقت است آن دیگران از ما بهتران  
از آب گرفته اند و با خود برده اند.  
خاورمیانه حالا حالاها بوی ماست ترشیده  
می دهد.

عارف سلیمی

کشک می شوند. و خلاق دیگر باید بروند  
کشکشان را بسابند.

یکی سلطان بسفر و داردائل است که قبای  
صدارت و ریاست بر قامت خویش می  
دوزد و در رویای خلافت می سوزد. رئیس  
چهل دزدان بغدادی را مترسک کرده است  
و در نینوی کاشته است تا رعایای امروز و  
دیروز "دولت فخمه" آل عثمان را بر سر  
سفره آشی که برایشان پخته است بنشانند و  
بیعت بستاند. بادمجان بمی است که بوی گند  
آفتش چهارسوی جهان را پُر کرده است.

دیگری رهبر عظیم الکشک جمهوری  
اسلامی است که خویش را "ولی امر" می  
خواند؛ فقیهی که "وقاحت" را آش کشک  
خاله می نامد. سرهای ضعیفان بر دار می  
کند و همراهان دیروزش را در حصر.  
جهت خالی نبودن عریضه انتخابات کشکی  
نیز برگزار می کند؛ هر از گاهی. چپ و  
راستی می سازد. اصلاح طلبی و  
اصولگرایی و اینک معتدلی. از هر دو سو  
مهره ها دستچین می کند و آنکه را نمی  
پسندد کناری می نهد. "مخالفانی" دارد یکی  
از دیگری کشک سابتتر و "هخا"تر. و  
"روشنفکرانی" که نان مردم می خورند و  
حلیم "آقا" هم می زنند.

برخی خادمان بیضتین شریفین- خویش-  
اند. کشک های عتیقه ای که عزرائیل را نیز  
خریده اند و ملک الموت هایی چون  
"سلفیسم" و "وهاپیسم" و "جهادیسیم" را به  
جان مردمان انداخته اند. کشک هایی که  
خون در شیشه و نفت و گاز در بشکه می  
کنند. پرده درهایی که پرده دار زیارتگاه  
شده اند. همپایه های دیرین عموسام که نماز  
می گزارند و کنیز می ستانند.

عده ای نیز دونکیشوت های چکمه پوش و  
ستاره بر دوش اند که هر گاه خُلُقشان تنگ  
می شود تانگ به خیابان می برند. پهلوان